



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد و علي اله الأطيبين الأطهرين
المنتجبين سيما بقیة الله في الأرضين

از خداوند متعال بسیار سپاسگزارم که یک بار دیگر این توفیق را به من ارزانی داشت که به شهر شما و در میان شما بیایم و جمع مردم باهمت و خوش روحیه ی بم را یک بار دیگر زیارت کنم.

آنچه در نگاه اول، این سفر را با سفرهای قبلی متفاوت می کند، این است که من بحمدالله - چه در شهر که مقداری حرکت کردیم و ساعتی به مناطق مختلف و محل های اسکان رفتیم ؛ و چه الان که در این جمع شرکت کرده ایم - چهره ی شما مردم عزیز و چهره ی جوانان و چهره ی شهر را برخوردار از یک نشاط و حالت امید و اهتمام می بینم. در سفرهای قبلی چهره ی شهر بر اثر سنگینی حادثه و فاجعه یی که اتفاق افتاده بود، افسرده و ملول بود. این برای جنبه ی انسانی شهر یم چیز مهمی است ؛ برای من هم که از اعماق دل به شما مردم و آحاد مؤمن و صمیمی این منطقه و این شهر علاقه و ارادت دارم، از این که چهره ها را گشاده مشاهده می کنم، مژده ی بزرگی است.

مطالباتی وجود دارد و این مطالبات غالباً هم بحق است ؛ هم امام جمعه ی محترم اینها را بیان کردند - که از ایشان هم بخصوص باید به خاطر زحماتشان تشکر کنیم - هم از مسؤولان محترم شهر و استان مواردی شنیده ام ؛ هم در گزارش های مردمی که پیش از سفر برای ما تهیه می شود، به دست آورده ام.

اما آنچه برای بنده به عنوان یک مسأله ی مهم مطرح است، این است که در مقابل حوادث و بلایای طبیعی دوگونه می توان موضعگیری و حرکت کرد: یک نوع عبارت است از تسلیم حادثه شدن و خود را به پیامدهای آن سپردن و در مسیر حوادث رها کردن ؛ این منفي است. حادثه در این صورت سودی برای جامعه ی حادثه دیده و مصیبت دیده نخواهد داشت و زیان های آن هم برای مردم باقی خواهد ماند. اما نوع دیگر عبارت است از برخورد فعال و مثبت ؛ یعنی مصیبت را با همه ی عظمت و سنگینی اش پشت سر گذاشتن و به سمت جلو و اصلاح کارها حرکت کردن. این نوع موضعگیری، صحیح و مثمر ثمر است. مصیبت در هر صورت واقع شده است ؛ ما باید از مصیبت درس بگیریم و با پندگیری و عبرت گیری از بلایای گذشته، آینده ی خود را آن چنان بسازیم که هم از حوادث آینده جلوگیری کنیم ؛ هم مشکلاتی که بر اثر حادثه پیش آمده، تا آن جایی که ممکن است، جبران کنیم ؛ و هم دستاوردهای جدیدی به دست بیاوریم. این، نگاه مثبت و اسلامی است.

من می بینم که مردم عزیز بم و بروات با همت و تکیه یی به ایمان و نجابتی که در آنها وجود دارد، راه دوم را پیش گرفته اند. آنچه تاکنون انجام شده است، به هیچ وجه کافی نیست. من از زحماتی که مسؤولان دولتی و بخش های مختلف کشیده اند، تقدیر و تشکر می کنم ؛ حقیقتاً زحمات آنها درخور تقدیر است. با وجود این که من از زحمات ستاد بازسازی شهر بم و روستاهای بم متشکر هستم و کارشان را تقدیر می کنم، اما آنچه من از لحاظ ساخت و ساز، از لحاظ وضع شهری، از لحاظ مسکن و از لحاظ مراکز کسب و کار می بینم، برایم خشنودکننده و راضی کننده نیست. بعضی از دستگاه های دولتی یا نهادهای انقلابی حقا و انصافاً خیلی خوب کار کردند. من نه از کسانی که خیلی خوب کار کرده اند، و نه از کسانی که اشکالاتی در کارشان بوده، نام نخواهم آورد - البته به خود آنها خواهم گفت - بعضی خوب کار کردند، تحسین برانگیز حرکت کردند ؛ بعضی هم کم کاری کردند ؛ اما آنچه در مجموع مشاهده می شود، عبارت است از یک نگاه کلی و برنامه ریزی محاسبه شده و اندازه گیری شده و قابل پیش بینی.

البته بنده دوست می داشتم که اگر مسؤولی به بم آمده و وعده کرده که هفته یی یک مدرسه درست کند، توانسته باشد آن وعده را جامه ی عمل بپوشاند - که متأسفانه نپوشانده - یا اگر کسانی آمده اند برای بازسازی زمان معین کرده اند و گفته اند شهر بم را تا فلان مدت می سازیم، توانسته باشند به این زمان بندی عمل کنند ؛ که مشاهده می شود کسانی که چنین وعده هایی دادند، خودشان هم الان اعتراف دارند که این وعده دادن ها درست نبوده است ؛



اینها اعتراضات و مطالبات ماست.

ولی از مجموع مصایبی که می بینم و گزارش می گیرم و از طرق مختلف مطلع می شوم، آنچه استنتاج می کنم، این است که برنامه ریزی برای بم، برنامه ریزی درستی است. این برنامه ریزی باید از سوی مسؤولان دولتی، از سوی بانک ها و از سوی دستگاه هایی که در بازسازی، مسیرها و ایستگاه های گوناگونی به آنها مربوط است، مورد پشتیبانی قرار بگیرد.

به من گفته شد که بازسازی روستاهای اطراف بم تا پایان سال 84 تمام خواهد شد؛ و گفته شد که امیدوارند بازسازی شهر بم تا آخر سال 85 به پایان برسد. من این را به عنوان یک وعده ی قطعی تلقی نمی کنم و به شما هم این را عرض نمی کنم؛ اما اگر بتوانند به این وعده جامه ی عمل ببوشانند، باید بگوییم کار بسیار بزرگ و برجسته یی انجام داده اند؛ و من دعا می کنم که بتوانند.

بازسازی - که یک مسأله ی مهم شهر بم است - همه ی مسائل شهر بم نیست. موضوعاتی که آقای امام جمعه ی محترم و پرنشاط و فهیم بیان کردند، همه ی اینها جزو مسائل است. امنیت جزو مسائل مهم این شهر است، که ربطی به بازسازی ندارد. مسأله ی کسبه و پیشه وران، یکی از مسائل است. رسیدگی به فرهنگیان و دانش آموزان - که دیروز یکی از فرهنگیان محترم بم در مجتمع فرهنگیان کرمان آن را بیان می کرد - یکی از مسائل مهم این منطقه است. کارسازی و کارآفرینی برای جوانان - که این جزو مسائل قبلی بم هم بوده است و در حال حاضر با رویداد زلزله افزایش پیدا کرده - یکی از مسائل مربوط به بم است. نشاط و روحیه ی جوان با کار کردن است؛ جوان باید بتواند کار کند. جوانی که کار می کند، هم درون خود او و روحیه ی او شادمان و شاداب است؛ هم مثل یک نخل بارآور، از میوه ی شیرین کار او دیگران استفاده می کنند؛ یعنی هم خودش شاداب است، هم دیگران بهره می برند. جوان وقتی نتواند اشتغال لازم را به دست بیاورد، هم شادابی خود او کم خواهد شد و یا خدای نکرده از بین خواهد رفت، و هم از ثمرات وجود او کس دیگری استفاده نمی کند.

البته مسأله ی ایجاد کار، مخصوص این جا نیست؛ یکی از مسائل مهم ما در سطح کشور است. در دو سه سال اخیر تلاش های زیادی شده و فعالیت های فشرده و متراکمی برای این کار صورت گرفته است و باید هم ادامه پیدا کند. در دولت آینده، هر کس سر کار بیاید و قوه ی مجریه به دست هر دولت و رئیس دولتی بیفتد، یکی از اساسی ترین اهتمام های او باید ایجاد اشتغال باشد.

شما مردم بم علاوه ی بر انتخاب رئیس جمهور، احتمالاً انتخاب نماینده هم خواهید داشت. نگاه کنید و کسی را که پاسخگوی این انتظارات است، پیدا کنید. مدتی ما را به مسائل سیاسی و جناحی و خطی و حرفهای پوچ و بی محتوا - که در زندگی واقعی مردم هیچ نقشی ندارد - سرگرم کردند. آنچه کشور ما احتیاج دارد، کار و تولید و توسعه ی مادی و معنوی، همراه با عدالت و بدون تبعیض و فساد و افزون خواهی های غیرقانونی - و به قول آقایان، رانت خواری - است. مهمترین همت قوه ی مجریه و قوه ی مقننه و قوه ی قضاییه باید این باشد که بتوانند در مقابل این بیماری های صعب العلاج بایستند. این بیماری ها از بلای زلزله هم برای کشور خطرناک تر است؛ چون همه گیر است.

یکی از مسائلی که خوب است در بم آن را عنوان کنم، این است: عزیزان من! مردم عزیز بم! شما البته مصیبت دیدید. زلزله حقیقتاً فاجعه بار بود. بازماندگانی که در مقابل چشم خود، عزیزانشان، فرزندانسان، نوه هایشان، همسرشان و والدینشان را دیدند که در زیر خاک های زلزله دفن می شوند، به چه زبانی می شود تسلا داد؟ در سفرهای گذشته به بم، من بسیاری از این افراد را از نزدیک دیدم. این داغ ها در دل انسان می ماند - در این شکی نیست - اما همین فاجعه ی مصیبت باری که این طور شماها را سوزاند و داغ بر دل هایی گذاشت، برای کل کشور، برای ایران عزیز و برای مسؤولان درس هایی داشت که اگر به آن درس ها عمل کنیم، این مصیبت بزرگ به میزان زیادی جبران خواهد شد.

یکی از این درس ها مقاوم سازی است. این که من بعد از سفر قبلی به بم، به مسؤولان گفتم که نگذارید مسأله ی بم کهنه شود، آن را تازه نگه دارید، یک علتش این است که حادثه ی بم ممکن است در هر نقطه ی دیگری از این



کشور اتفاق بیفتد. در خود این استان و در نقاط مختلف دیگر ممکن است این حادثه اتفاق بیفتد؛ دیدید که در زرنده هم اتفاق افتاد. استان کرمان - آن طور که به من گزارش داده اند - روی هشت گسل زلزله قرار دارد. در محل تلاقی این گسل ها امکان زلزله های بسیار شدیدی می رود و هر کدام از اینها ممکن است خسارات بزرگی داشته باشد؛ باید اینها را پیش بینی کرد. گفتم ستاد حوادث غیرمترقبه و بحران های ناشی از بلایای طبیعی باید تشکیل شود؛ الان هم از بم - از کانون یکی از مهمترین بلاهای طبیعی در زمان خودمان - به مسؤولان خطاب می کنم و می گویم این کار را بیش از این عقب نیندازید. مسؤولان باید آماده به کار باشند. هم مسأله ی مقاوم سازی در همه جای کشور بسیار مهم است؛ هم آماده بودن برای مقابله ی با این حوادث، مهم است؛ چون دقایق اولیه ی وقوع حادثه، دقایق اکسیری و کیمیایی و ارزشمندی است. رسیدن به آن دقایق، ممکن است جان عده ی کثیری را نجات دهد. اینها آمادگی قلبی می خواهد. ما خیلی از اینها را می دانستیم، اما زلزله و مصیبت شما این درس ها را زنده کرد و بسیاری از مسؤولان کشور را به فکر واداشت.

اگر از اینها درس بگیریم، پاداش آن مصیبت و آن حادثه ی غم انگیز را گرفته ایم. البته حادثه ی بم فقط برای بمی ها غم انگیز نبود؛ همه ی کشور را غرق در غم کرد؛ همه ی آحاد مردم در سرتاسر کشور با شما احساس همدردی کردند.

برای کسی که به بم می آید و می رود، آنچه مهم است، روح کرامت و تلاش در میان مردم بم است. هر چه می توانید، این روحیه را تقویت کنید. شما مردم با کرامت و صابری هستید. اسم «دارالصابریین» که امروز من چند بار شنیدم و در برخی از نوشته های مقابل خودم می بینم، خیلی مناسب است. حقیقتاً در مصیبت به این بزرگی، شما صبر و استقامت کردید.

دل مصیبت ها را باید شکافت و از دل آنها برکات الهی را استخراج کرد. با دید دیگری به مصیبت ها نگاه کنیم تا بلایای طبیعی را رحمت خدا ببینیم. این تلفات عظیم و این مرگ و نابودی که در چنین حوادثی برای شهر و جامعه یی پیش می آید، با همه ی تلخی، اگر بتواند روح توکل، ارتباط با خدا، روح تلاش، عبرت گیری و به فکر آینده بودن را در ما زنده کند، نعمت خواهد شد.

بم باید به توفیق الهی، به همت مسؤولان و با همین برنامه ریزی یی که عرض کردیم - که برنامه ریزی خوب و قابل قبول و به نظر ما جامع الاطراف است - در مدت زمانی که برادران مسؤول ذکر کرده اند، ان شاءالله به صورت یک شهر با استحکام و زیبا ساخته شود. شماها هم باید تلاش کنید. مسؤولان باید به وعده های خودشان عمل کنند. اگر قرار بوده وام بدهند و یا تسهیلات در اختیار بگذارند، اینها را انجام دهند. آحاد مردم باید همت کنند و با دستگاه ها همکاری داشته باشند؛ دستگاه ها هم به همه ی وظایف خود عمل کنند تا از دل این ویرانه ها یک شهر زیبا سر برآورد و مظهر عزم و اراده و ذوق و سلیقه و برآورنده ی نیازهای شما باشد. البته کارهایی که باید انجام بگیرد و نیازهایی که مجموعه ی این شهرستان دارد، در جای خود محفوظ است.

ما در عرصه های مختلفی در صحنه ی آزمون نگاه مردم دنیا هستیم. و من به شما عرض بکنم؛ در ماجرای بم، ملت ایران و مسؤولان دلسوز از سوی مراکز جهانی تحسین شدند. ملتی که تلفات سنگین وارد شده بر خود را تحمل می کند و با روحیه ی خوب و عزم راسخ در میدان انقلاب و عرصه ی حرکت و تلاش در جمهوری اسلامی با استقامت تمام می ایستد؛ هم به زبان می آورد و هم در عمل آن را اثبات می کند، مورد تحسین همه ی ناظران بین المللی قرار می گیرد، و قرار گرفت. درست است که بسیاری از کشورها و مراکز بین المللی به وعده های خود عمل نکردند - که این را مسؤولان دولتی گزارش کردند و گفتند اینها به بسیاری از وعده های خود عمل نکردند - ولی ما روی پای خود ایستادیم. تحسین قلبی آنها نسبت به عزم و اراده ی مردم و مدیریت خوبی که در این قضایا انجام گرفت، قطعی است.

بنده از سابق به بم علاقه داشتم. قبل از انقلاب، وقتی می خواستم از جیرفت برگردم، آمدم چند روزی در بم ماندم و با مردم بم آشنا شدم. بعد از انقلاب موفق نشدم به بم بیایم. خیلی مایل بودم بیایم و با شما مردم مواجه شوم؛ ولی متأسفانه تا قبل از زلزله این توفیق به دست نیامد. یکی از دوستان قدیمی ما در بم، بار اولی که پس از وقوع



زلزله به بم آمد، جلوي من آمد و گريست ؛ گفت دلماں مي خواست تو به بم بيابي ؛ اما نه در چنين شرايط و اوضاع و احوالي. بنده هم مايل بودم وقتي به بم بيابيم که اين شهر را شاد و پرنشاط و فارغ از حوادث طبيعي و بدون _____ مصيبت ببينم ؛ اما متأسفانه نشد. در عين حال خدای متعال را شاکرم که در شهر شما نشاط و شادابي را در چهره ها مي بينم، که در سفرهاي قبل ندیده بودم. جوان ها و زن ها و مردها بانشاطاند. در خيابان هاي شهر، در اردوگاه ها و محل هاي اسکان موقت، هر جا رفتيم، احساس کردیم در چهره ي مردم شادابي و نشاط هست ؛ خدا را از اين بابت شکر مي کنيم.

از خدا مي خواهيم توفيق دهد تا بار ديگر بتوانيم به شهر شما بيابيم و آن روز شما را در اوج نشاط و سلامت و خشنودي از پيشرفت کارهايتان ببينيم و شهر نوي بم را که به دست شماها ساخته شده، ان شاءالله آن روز مشاهده کنيم. از اين ديدار بسيار خوشحالم. از شما تشکر مي کنم و عذرخواهي هم مي کنم که در آفتاب گرم مدتي منتظر بوديد و عرايض ما را شنيديد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد لطف و فضل و رحمت و برکت خود را بر مردم اين شهر نازل کن. پروردگارا! به مسؤولان توفيق خدمتگزاري کامل به اين مردم عزيز و نجيب را عنایت کن. پروردگارا! مصايبي که بر اين مردم وارد شده است، با لطف و رحمت مضاعف خود جبران بفرما. خدایا! ما را قردان اين مردم قرار بده.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته